
سرشناسه : عاصمی، عبدالحسن، ۱۳۳۶.
عنوان و نام پدیدآور : مراتب کمال انسان (از دیدگاه قرآن) مولف عبدالحسن عاصمی.
مشخصات نشر : قم : طلیعه نور، ۱۳۹۳.
شابک : ۸ - ۷۳ - ۲۵۶۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : انسان (اسلام) -- جنبه های قرآنی
رده بندی کنگره : ۱۳۹۳: ۱۴ ع ۸ الف / ۱۰۴ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۳۴۵۷۷



انتشارات طلیعه نور

مراتب کمال انسان

(از دیدگاه قرآن)

مؤلف : عبدالمحسن عاصمی

چاپخانه : گل وردی * تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه * تاریخ چاپ : ۱۳۹۳ ه. ش

نوبت چاپ : اول * شابک : ۸ - ۷۳ - ۲۵۶۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

مرکز نشر : ۰۹۱۰۹۵۲۴۹۴۷ آرمان

مراتب کمال انسان

(از دیدگاه قرآن)

www.ketab.ir

مؤلف: عبدالحسن عاصمی

۱		مقدمه
۹		فصل اول
۹		چگونگی خلقت انسان
۱۲		مبدأ وجود انسان
۱۶		حکمت خلقت انسان
۱۶		خلقت انسان از دیدگاه آیات و روایات
۲۰		انسان و امتحانات الهی
۳۲		انسان در قرآن
۳۳		بشر در قرآن
۳۳		انسان اشرف مخلوقات
۳۳		حقیقت انسان
۳۴		فضیلت انسان
۳۷		فصل دوم
۳۷		کمال انسان
۳۷		سیر کمال انسان
۴۱		شناخت کمال انسان
۴۲		کمال حقیقی انسان
۴۲		کمال نهایی انسان از دیدگاه وحی
۴۴		فصل سوم
۴۴		خلافت الهی
۴۴		گل سر سبد خلقت
۴۴		۱- عقل کل
۴۵		۲- نفس کل
۴۶		۳- علم کل
۴۶		انسان امانتدار الهی
۴۷		جهان مستخر آدمی
۴۷		کرامت ذاتی انسان
۴۹		ملاک خلافت آدم (ع)

۴۹		سؤال ملانکه
۵۱		منظور از اسماء
۵۲		سجده بر آدم (ع)
۵۴		آدم در قرآن
۵۴		وحی بر آدم (ع)
۵۵		چهار خلیفه در قرآن
۵۷		فصل چهارم
۵۷		صُلب انسان کامل
۵۷		خلقت از آب
۵۹		خلقت از گل
۶۲		فصل پنجم
۶۲		رَجَم انسان کامل
۶۶		فصل ششم
۶۶		ذَرِیّه و نسل آدم (ع)
۷۰		ازدواج ذَرِیّه آدم (ع)
۷۲		فصل هفتم
۷۲		قوای نفسانی انسان
۷۳		علوم عقلیه
۷۴		فرق نفس ناطقه با نفس حیوانی
۷۴		روح ملکوتی (نفس مطمئنه)
۷۶		رابطه‌ی نفوس ناطقه با روح ملکوتی
۷۹		فصل هشتم
۷۹		حیات دنیا
۸۰		معنای حیات
۸۳		فصل نهم
۸۳		مرگ انسان (موت)
۸۳		قیامت صغری و کبری
۸۴		مرگ پایان زندگی نیست
۸۵		مرگ برای مؤمن
۸۷		مرگ برای کافران

۸۷		سخت ترین اوقات انسان
۸۷		مرگ از منظر قرآن و روایات
۸۹		استقلال روح و اصالت آن
۸۹		فرشته‌ی مرگ «مَلِکُ الْمَوْتِ»
۹۲		قبض روح حضرت موسی (ع)
۹۳		قبض روح حضرت ابراهیم (ع)
۹۴		قبض روح حضرت مریم (ع)
۹۶		فصل دهم
۹۶		حیات برزخ
۹۷		حیات برزخ در قرآن
۹۸		برزخ در کلام پیشوایان
۹۹		حکمت وجود عالم برزخ
۱۰۰		آیا در برزخ خواب هست؟
۱۰۱		تأثیر عوامل غیب در شهید
۱۰۲		بدن مثالی چیست؟
۱۰۴		مدت توقف در برزخ
۱۰۴		مشاهدات مؤمنین هنگام توقی
۱۰۶		مشاهدات کافران هنگام توقی
۱۰۷		فشار قبر و تصفیه‌ی روح
۱۰۸		تجلی اعمال در سیمای انسان
۱۰۸		عذاب قبر بر جسم است یا روح؟
۱۰۹		قبض روح
۱۰۹		عوامل نجات از فشار قبر
۱۱۲		مسئله روح یا نفس در قرآن
۱۱۲		خلقت ارواح
۱۱۳		روح، علم خَلْقِ الهی
۱۱۳		روح، حقیقت انسان و مخلوق خدا
۱۱۴		ترکیب شخصیت انسان
۱۱۴		احوال روح از دیدگاه امام علی (ع)
۱۱۴		حقیقت روح و ارتباط آن با بدن
۱۱۶		اثمه اطهار از نورند

۱۱۶	احوال روح از دیدگاه امام صادق (ع)
۱۱۷	جایگاه ارواح مؤمن و کافر
۱۱۸	دیدار ارواح
۱۱۸	ارواح به دیدار بازماندگان‌شان میروند
۱۲۰	فصل یازدهم
۱۲۰	معاد (یوم الوعید)
۱۲۲	روایات و اثبات معاد جسمانی
۱۲۴	پوسیده نشدن برخی ابدان
۱۲۷	فرشتگان نقاله
۱۲۷	ادله‌ی وجود معاد
۱۳۰	فرق معاد و تناسخ
۱۳۱	تعلق نفس به بدن مثالی
۱۳۲	فصل دوازدهم
۱۳۲	نفخ صور
۱۳۵	صور اسرافیل
۱۳۹	صیحه‌ای در آخرالزمان
۱۴۱	فصل سیزدهم
۱۴۱	یوم القیامه
۱۴۲	کوتاه سازی رستاخیزی زمان
۱۴۵	وضع مادی انسان در پایان جهان
۱۴۸	دلایل قیامت
۱۵۲	احادیث قیامت
۱۵۳	اسامی، صفات و حالات قیامت
۱۶۷	تجلی کامل حقیقت
۱۶۸	قیامت کبری
۱۷۰	بیرون آمدن از قبر
۱۷۱	میزان
۱۷۲	حساب و نامه‌ی عمل
۱۷۳	نامه‌ی عمل
۱۷۴	حشر در قیامت

۱۷۶	سیمای متقین در قیامت
۱۷۸	مناظر متقین در قیامت
۱۸۰	سیمای مجرمین در قیامت
۱۸۵	مناظر مجرمین در قیامت
۱۹۵	فصل چهاردهم
۱۹۵	حکم الهی
۱۹۵	نامه‌ی عمل آدمی در این جهان
۱۹۷	حکم و داوری
۲۰۷	فصل پانزدهم
۲۰۷	جزاء اعمال
۲۰۸	جزای خیر اعمال
۲۱۰	جزای شر اعمال
۲۱۲	رابطه‌ی میان عمل و جزا
۲۱۴	فصل شانزدهم
۲۱۴	جهنم مظهر قهر و غضب الهی
۲۱۶	نامها و صفات دوزخ
۲۱۶	مراتب درکات جهنم
۲۱۸	علت پیدایش جهنم
۲۱۹	شفاعت پیامبر (ص) شامل حال چه کسانی است
۲۲۲	سخن گفتن جهنم
۲۲۳	جایگاه گناهکاران
۲۲۵	فصل هفدهم
۲۲۵	جنت (مظهر رحمت و مغفرت الهی)
۲۲۵	ساختار بهشت
۲۲۵	اولین آفتی که وارد بهشت میشود
۲۲۶	حکمت بهشت
۲۲۶	نام نهادن بهشت
۲۲۶	بهشت کجاست؟
۲۲۷	درجات و اسامی جنت
۲۲۹	مکتوبات درهای بهشت
۲۳۳	نمونه های قرآنی در توصیف بهشتیان

۲۵۱	 فصل هجدهم
۲۵۱	 لقاء الله
۲۵۱	 یقین به الله
۲۵۳	 ادراک ملکوت
۲۵۵	 حضور الهی
۲۵۷	 شگفتی های عدد ۱۲

www.ketab.ir

مقدمه:

به نام آن که هستی بخش هستی است ز هستی اش دو عالم غرق مستی است
 ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن
 «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى فَنَائِهَا وَمِنْ الْآخِرَةِ إِلَى بَقَائِهَا»

بر صاحب نظران حقایق معنوی و روشن ضمیران تاریخ بشریت پوشیده نیست که جهان هستی نشانی از نشان بی نشان جان جانان است. و به تعبیر حکمای الهی هر آهی و نگاهی راهی برای عروج به عرصه یقین و وصول به ساحت اقدس رب العالمین می گشاید. و از آن جا که انسان فطرتاً وجودی خدا آشنا، خدا گرا و خدا پرست است. لذا داشتن اعتقاد و ایمان راسخ به یک منشاء و مبدأ مقدس و شایان نیایش و پرستش، بی تردید یکی از کهن ترین مظاهر متعالی انسانی و خصائص اجتناب ناپذیر او به شمار می رود. در این باب امیر مؤمنان علی (ع) در مضمونی که وضوح آن مصداق بارز است، اشاره ای دارد و فرمود: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَتَّبِعِ لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ «حمد و سپاس خداوندی را سزااست که وجود هستی گواهی وجود ذیجود اوست و دلیل گویای او را می توان در دل هر ذره ای یافت» (نهج بلاغه، جلد ۱، ص ۱۰۷).

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه باطنی است، آن بینی
 دل هر ذره ای که بشکافی آفتابیش در میان بینی
 بدین سان امیر مؤمنان علی (ع) خود و سایر ممکنات و موجودات را سایه و تجلیات جمال و جلال واجب الوجود می داند، و سوای او همه با هر چه دارند، تنها پرتوای از رخ پرفروغ او را منعکس و تفسیر می کنند.

سراسر جهان و هر چه در اوست عکس یک پرتوای از رخ اوست
 و اما با توجه به طرح ترسیمی که به ضمیمه اثر حاضر می باشد، شمه ای از شرح تقریر مراتب کمال انسان، طبق نص صریح آیات مبین و روایات متین، از نظر می گذرانیم. توضیح این که سلسله گستره عظیم جهان هستی، این مجموعه ی هدفمند و قانون مند، که ارکان اصلی آن دائر بر مطاق الطاف اسماء ذات لایزال الهی است، به طور مستمر و غیر ارادی به سوی سرچشمه اصل هستی در حرکت می باشد. همچنان که در وقت دعا

می‌خوانیم: وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ «و به اسماء مبارکت که وجود هر چیزی را آکنده ساخته، و در یکایک اجزای خلقت جاری است» (دعای کمیل).

ارکان جهان مظهر اسماء و صفاتند **اسماء و صفات آئینه حضرت ذاتند**

لیکن بنا به منطق ارباب سلوک و کشف و شهود است که اسماء حسناى ربّ جلی مقتضی تجلی بوده، و هستی را ایجاب می‌نمایند، و آن به استناد مفاد حدیث قدسی: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً...» (کشف الخفاء، ج ۲، ص ۱۳۲). خداوند سبحان در ازل راز و گنج نهانی بود، که اراده نمود با خلقت اسماء و صفات به محبت اشراق نماید، و به رحمت هستی را پدید آورد و افعال را پیدا آید، و چون مظهري که قابل ظهور و حضور باشد لازم داشت، پس انسان را که وجودی جامع جمیع کمالات ربوبیه است، مرآت تمام نمای مرتبه الهیه آمد و به عنوان امام اشرف مخلوقات و صورت اکمل اسماء و صفات عالم قرار داد، تا به یقین ره به نور معرفتش برد، و وصال کمال مطلقش نائل آید.

مرا بشناس که من مراتب اویم **نمودی از صفات ذات اویم**
به صورت ظاهرش را می‌نمایم **به معنی نسخه‌ی آیات اویم**

از سویی غایت مقصود و نهایت مطلوب حکمت جلیله از ایجاد و فرجام جهان، وجود انسان عارف واصل و کامل اوصاف (خلیفه الله) است: إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً «من در روی زمین جانشینی خواهم گماشت» (بقره/۳۰). درحالی که خداوند سبحان نخستین انسان را از گل (خاک نمناک) خلق نمود: وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ «در ابتدا خلقت انسان را از گل قرار داد» (سجده/۷). و او را نیکو بیافرید، و بدو جان داد: ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ «پس او را به حسن و کمال بیاراست، و از روح قدسی خویش در وی بدمید» (سجده/۹). و او را عزیز و مورد عنایات خاصه خویش گردانید، و بر عالمیان فضیلت و کرامت بخشید: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم» (اسراء/۷۰). و خطاب به او فرمود: عَبَدِي خَلْقَتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ

خَلَقْتُكَ لِأَجَلِي و ... «بنده‌ی من همه‌چیز را برای تو، و تو را برای خودم خلق نمودم» (الجواهر السنیة، ص ۷۰۱).

گفت پیغمبر که حق فرموده است قصد من از خلق احسان بوده است من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم از دیگر سو، هدف عالی قرآن کریم از خلقت انسان سیر استکمالی و قُرب الهی وی از طریق ابتلاء و امتحان در امور تکوینی (مرگ و زندگی): وَالَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا «اوست که مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را امتحان کند، که کدام یک نیکو تر هستید» (ملک/۲). و امور تشریعی (طاعات و عبادات): و مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعَبْدُونِ «جن و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا عبادت کنند» (ذاریات/۵۶). نیز اسیر مؤمنان علی(ع) در سخنی گهربار درباره مسائل بنیادین و سرنوشت‌ساز آدمی، که حاکی از عمق دغدغه‌های دیرین بشری است و منجر به شناخت وی از حقیقت و موقعیت خود در زنجیره نظام هستی می‌گردد، می‌فرماید: رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَأً عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده، و در کجا و برای چه آمده و به کجا می‌رود» (الترمذی، ص ۳۴۴).

اندکی در خود نگر تا کیستی از کجایی در کجایی چیستی هر چند جهان و هر چه در اوست، آغازی و پایانی دارد، و اساساً تغییر و تبدیل اوضاع آن به شکل ادواری و مشابه نمودار می‌شود، به طوری که برای هر دوری آغازی و برای هر آغازی پایانی و نقطه پایان آن همان نقطه آغازین می‌باشد در این میان انسان با همه قابلیت‌ها و استعدادهای خدادادیش موجودی زمانمند و مقید به دو نقطه متمایز آغاز و پایان است، و برای باز یافتن خویش، به کمک روندی که همواره پیرامون اوست، به اختیار و انتخاب خود می‌تواند از خود آغاز کند، و به خود باز گردد، و آن کمالی خواهد بود برای دور بعدی: وَ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ «شما را از خاک خلق کردیم، و به آن باز می‌گردانیم، و دگر بار برمی‌انگیزیم» (طه/۵۵).

شما را همی خلق کردیم ز خاک به آن باز گردید بعد از هلاک

بیاپید بیرون دگر بار از آن گزینید مأوا به دیگر جهان
 گرچه انسان از لحاظ ابعاد ساختاری، وجودی دو بعدی است، یکی جسمانی
 (بعد پیدا) کالبدی مادی و از عالم خلق که شالوده مشیت آن دایره بر مضاف: **مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** «همه چیز به خواست خداست، و جز قدرت خدا قدرتی نیست» (کهف/ ۳۹).
 دیگر نفسانی یا روحانی (بعد ناپیدا) گوهری مجرد و از عالم امر که مقدر مقرر آن دایره بر
 مضاف: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم»
 می‌باشد (بقره/ ۱۵۶). و به منظور گذار از مدارج و معارج هستی از بستر خاک تا محضر
 خدای پاک، ناگزیر به طی طریق مراتب کمال در دو عالم الهی (خلق و امر) می‌باشد: **أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ** «بانی که عالم ملک و ملکوت خاص و به فرمان اوست» (اعراف/ ۵۴).
 از آن جمله کمالی در **صُلبِ** انسان کامل (پدر) صورت می‌گیرد: **يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ**
 و ... «از میان صلب و پشت پدر ... به دهن آمده است» (طارق/ ۵). با این که کلیه
 مبادی اولیه خلقت در نطفه موجود می‌باشد و با رسیدن به رشد و تکمیل مراحل کیفی و
 کمی در ادوار مختلف به پیچیده‌ترین پیکره زنده تبدیل می‌شود.
 دهد نطفه را صورتی چون پری که کرده است بر آب صورتگری
 و خداوند سبحان نژاد شریف انسان را از همان نطفه آفریده است: **ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ** «سپس نسل و ذریه آدم (ع) را از آب بی قدر و نطفه بی حس
 گردانید» (سجده/ ۸). و او را همچنان محفوظ و باقی داشته تا در روی زمین به مدد
 صراط مستقیم حق، و به دور از تعلقات دنیوی و تخیلات واهی به مقام رفیع خلافت
 الهی بار یابد و آن مرتبه عقل کل است: **نُفِصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** «ما نشانه‌های
 خود را برای عاقلان به تفصیل بیان می‌کنیم» (روم/ ۲۸). و کمالی در رحم انسان
 کامل (مادر) نقش می‌بندد: **هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ** «اوست که شما را
 در رحم مادران می‌نگارد» (آل عمران/ ۶).

چنان در رحم نقش‌بندی کند که از نقش خود خودپسندی کند و متعاقب آن تکوین قوای چهارگانه نفسانی است که مترتب بر نفس مُلَهَمَه (قوه شرّ و خیر) وَ نَفْسٍ وَ مَا سِوَاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا: «قسم به نفس و آنکه او را به حدّ کمال بیافرید، و به او شرّ و خیرش را الهام کرد و فهماند» (شمس/ ۷-۸). و نفس اماره (قوه حسیّه حیوانیه) إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ. «قطعاً نفس اماره وادارکننده و فرمان‌دهنده به هوی و هوس» (یوسف/ ۵۳). و نفس لوّامه (قوه ناطقه قدسیّه): لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ «قسم به نفس ملامتگر که بر تقصیر و گناه خود بسیار حسرت خورد» (قیامت/ ۲). و نفس طمئنّه (قوه روحانیّه ملکوتیه): يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ ... «ای عسّر دل آرام به یاد خدا به سوی پروردگارت باز آی» (فجر/ ۲۷) و هموست که مدام و دوام شناس را به آستان محبوب ابدی دعوت به عودت و سوق و جذب می‌نماید و آن مرتبه نفس کُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ «اوست که شما را از یک تن خلق نمود» (اعراف/ ۱۸۹). و کمالی در سیات دنیا ظاهر و مجسم می‌گردد: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ ... «به راستی زندگانی چند روزه حیا در قبال آخرت جز یک سرگرمی و بازیچه‌ای بیش نیست» (حدید/ ۲۰). و انسان‌ها در آن یا کافرند و یا مؤمن: فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ «گروهی از شما کافرند، و گروهی مؤمن‌اند» (تغابن/ ۲). و سرانجام همه بدون استثناء خواسته و ناخواسته تسلیم سرنوشت محتوم مَوْت (مرگ) می‌شوند: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ «هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید» (آل عمران/ ۱۸۵). به دیگر سخن مرگ یک نوع نیستی نسبی و نوعی انتقال و ارتقاء به سرای اخروی و تقرب به جوار رحمت فیاض الهی است و این خود نکته‌ای متقن و مبرهن بر ادامه قوس صعودی و روحیه نامحدود انسان ملکوتی است که به مدد نور ایمان و ایقان به جایی رسد که از ملایک مقرب الهی مقرب‌تر گردد. چنانچه رسول خدا (ص) در فرازی

فرمود: لِي مَعَ اللَّهِ حَالَاتٌ لَا يَسَعْنِي فِيهَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ «مرا با خدایم جذبه‌ها و حالاتی است، که نه ملک مقرب و نه نبی مرسل بدان نرسد» (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۶۰).

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند که فرشته ره ندارد به مکان آدمیت و آن مرتبه علم کل است: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا «و خداوند علم و معانی اسماء را به آدم تعلیم داد» (بقره/۳۱). و کمالی در حیات برزخ (قبر) عیان می‌گردد: وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ «و در پیش رویشان برزخی است از مرگ تا روزی که در آن برانگیخته می‌شوند» (مؤمنون/۱۰۰).

روزی که زیر خاک تن ما نهان شود آنها را که کردیم یکایک عیان شود و در آن برهه و ایام معاد (اعاده مجدد ارواح کافرین و مؤمنین به قالب اولیه خود) توسط نفخ صور حادث می‌شود: تَنْفُخُ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ «و چون در صور بدمند، ندا آید که این است وعده گاه حق» (ق/۲۰). در آن روز وعید همه از قبور بر می‌خیزند، مؤمنان به سرعت و اختیار، و کافران به عبرت و اضطراب به جانب خدای خویش گسیل می‌شوند: فَإِذَا مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ «به ناگاه از قبر برخاسته، و به سوی پروردگارشان می‌شتابند» (یس/۵۱). و آن مرتبه علم یقین است: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ «نه چنین نیست، به زودی خواهید دانست که پس از مرگ چه در پیش دارید و با چه مواجه می‌شوید» (تکاثر/۵). و کمالی در عرصات قیامت متجلی می‌گردد: وَ أَمَّا زُوا الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ «هان ای بدکاران امروز از صف نیکوکاران جدا شوید» (یس/۵۶). در آن روز موعود، مردگان پس از مبعوث و محشور شدن، پرده از چشمان آنان برداشته می‌شود: يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ «روزی که اسرار باطن اشخاص مشهود و معلوم گردد» (طارق/۹) و همه در برپایی دادگاه عدل الهی در جایگاه حساب حاضر می‌شوند و به مشاهده دقیق اعمال و افعال خود که نزد خدا ثابت، و در دفتر

وجود ضبط و ثبت‌اند، بدان رسیدگی و بازخواست قرار می‌گیرند: **فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** «خداوند فردای قیامت میان شما مومنان و آن کافران حکم خواهد نمود» (نساء/ ۱۴۱).

حشر تو بر صورت اعمال تست هرچه بینی نیک و بد افعال تست در این راستا کسانی که در راه خدا خالصانه با جان و مال و ... ایشار و نثار کردند، اینان مؤمنان فائز و رستگار هستند: **الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ** «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند ایشان را نزد خدا درجه‌ای بلند است آن‌ها رستگاراند» (توبه/ ۲۰). و کسانی که از روی جهالت و لجاجت آیات حق را انکار و تکذیب کردند اینان کافران خاسر و زیانکار هستند: **وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَ كَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ** «و آنان که به باطل گرویدند، و به خدا کافر شدند، آن‌ها زیانکاراند» (عنکبوت/ ۵۲). و این مرتبه عین یقین است: **ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ** «آنگاه که به یقین حکم و داوری به حق را به عین خواهند دید» (تکواثر/ ۷). و کمالی در جزای اعمال تحقق می‌یابد: **لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ** «خداوند جزای محض عمل و فعل هر که را به آنچه به‌دست آورده است خواهد داد» (ابراهم/ ۵۱). بدیهی است در روز واپسین کسی آن درود که کاشته است، و هرگز به احدی اندکی ظلم و عذابی که شایسته آن نیست نمی‌رسد. در آن هنگام اعمال و افعال هر که را در میزان عدل حق، گران آید، جزایش درجات جنت و خوشنودی جنت آفرین است، و هر که را میزانش کم وزن و سبک باشد، جزایش درکات دوزخ و عذاب آلیم خواهد بود: **لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ** «هرگز جزای اهل جهنم و اهل بهشت یکسان و مساوی نیست» (حشر/ ۲۰).

هشت جنت چیست؟ افعال خودت

هفت دوزخ چیست؟ اعمال بدت

و آن مرتبه حقّ یقین است: إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ «این وعده و وعید البتّه یقین و حق و حقیقت است» (واقعه/ ۹۵). و اینک ما در دار دنیا بسر می‌بریم، و برای پیمودن آسان مسیر کمالات انسانی، و دریافت فیوضات حقّانی و جلوات ربّانی باید راه بیمائیم هر روز فرسختی، هر ساعت میلی و هر نفس گامی که خود حاصل عمر ماست.

ما را بجز این دو جهان جهانی دگر است جز دوزخ و بهشت مکانی دگر است باری حظّ لذّت وصف ناشدنی نعمات بی‌انتهای، و مسرتِ ابدی ورود به حریم عرش کبریا از آن مؤمنان مخلصی است که توفیق اتّصال و استمداد از سه منبع و مرجع معرفتی مشتمل بر توکل به الله، تمسّک به کلام الله و توسّل به انوار الله (عترت اطهار) علیهم السلام را دریافته باشند.

در خاتمه امید است گلچین این کمترین که در خصوص سیر مراتب کمال انسان می‌باشد مقبول پیشگاه احد احدیّت، و حجت معبود مهدی موعود، و کلیّه کمال‌جویان حقیقی واقع گردد. والسلام علی من اتّبع الهدی!

عبدالحسن عاصمی